

ابعاد و زمینه‌های تهاجم فرهنگی در

اندیشه امام خمینی (ره)

عنایت الله یزدانی *

مقدمه

امام خمینی (ره) به عنوان بزرگترین اندیشه‌گر اسلامی قرن، همراه با مرجعیت دینی مبتنی بر درک و آگاهی دین‌شناسی، مسؤولیت‌شناسی و درد آشنایی توانست با اتکال به نیروی لایزال حضرت باری تعالی و با بهره‌گیری از منبع پرفیض شریعت و به کار گرفتن تفکر ژرفای خویش، به کالبد اسلام جانی دوباره بخشد و ضمن تجدید حیات فرهنگ غنی دینی، با ادراکی وصف ناپذیر و آگاهیهای عمیق، جریانهای مخالف اسلام و مسلمانان را به خوبی بشناسد و ابعاد، جنبه‌ها و جوانب مختلف جریانهای فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دنیای استکبار و دشمنان اسلام را به امت اسلامی معرفی نماید. و در پی آن به عنوان طیبی درمانگر و مصلحی اصلاح‌گر، در پی قطع جریان‌های انحرافی و استعماری از جان مسلمانان و اصلاح وضعیت آنان برآید.

یکی از برجستگیهای فکری و عملی این متفکر بزرگ، شناخت حرکت‌های آشکار و پنهان فرهنگی دنیای استکبار علیه فرهنگ مسلمانان است. امام (ره) که عمق فاجعه را با تمام وجود احساس می‌کرد، جریانهای منحط فرهنگی را به عنوان حرکت‌هایی خطرآفرین و مشکل‌ساز برای مکتب اسلام و مسلمین معرفی کرد. به خاطر اهمیت موضوع، در جای جای اندیشه امام خمینی (ره) طرح ابعاد مظاهر جریان‌های تحمیلی فرهنگی و راه‌ها و شیوه‌های مقابله با آنها به چشم می‌خورد.

فرهنگ و تهاجم فرهنگی

از نظر امام (ره) فرهنگ بزرگترین موسسه‌ای است که ملت را یا به تباهی می‌کشد یا به اوج عظمت و قدرت می‌کشانند^(۱). به نظر امام (ره) مهمترین ویژگی لازم و ضروری برای این موسسه عظیم و مهم استقلال آن است. لذا ایشان فرهنگ وابسته به غیر را یک فرهنگ ناسالم و انگلی معرفی می‌نماید. این همان فرهنگی است که تحت سلطه و هجوم بیگانگان و قدرتهای استکباری شکل گرفته و با نقشه دیگران ساخته می‌شود و بر جامعه یا جوامعی تحمیل می‌شود.

با مطالعه افکار و اندیشه‌های بلند امام (ره) در خصوص تهاجم فرهنگی می‌توان به این جمع بندی رسید که تهاجم فرهنگی یعنی هجوم همه جانبه فرهنگ بیگانه با استفاده از همه زمینه‌ها و ابزارها برای بیگانه کردن مسلمانان از فرهنگ غنی خودی و جایگزین نمودن عناصر و مظاهر زشت و خطرناک فرهنگ اجنبی در قالب مفاهیم زیبا و سرانجام جایگزینی ضد ارزشها به جای ارزشهای والای

* - عضو هیات علمی گروه اقتصاد در دانشگاه اصفهان.

اسلامی-انسانی^(۱). نکته مهم و قابل توجه اینکه امام (ره) در پی دقت نسبت به خطرهای این تهاجم، ابعاد گوناگون آن را نیز مورد توجه قرار داده که به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

ابعاد تهاجم فرهنگی

امام (ره) ابعاد تهاجم فرهنگی را در دو زمینه کلی بیان نموده است: یکی در زمینه افکار و اندیشه‌ها و دیگری در زمینه تمدن و ظواهر فرهنگی.

الف: تهاجم فرهنگی در زمینه افکار و اندیشه‌ها

مهمترین بعد تهاجم فرهنگی، در زمینه‌های فکری یا به اصطلاح تهاجم اندیشه‌هاست به همین خاطر از نظر ایشان، وابستگی فکری که نتیجه این تهاجم است منشاء اکثر بدبختیهای ملتها و ملت ایران بوده است.

از آنجا که دین اسلام به عنوان کاملترین برنامه زندگی دنیوی و معنوی انسانها، می‌تواند زمینه‌های رشد و سعادت همه جانبه مسلمانان را فراهم آورد به نظر امام راحل یکی از مظاهر تهاجم اندیشه غربی تحول اسلام ناب محمدی به اسلام سازش و تسلیم در قبال زورمداران و یا به تعبیر ایشان، اسلام آمریکایی است.

اسلام آمریکایی یعنی اسلامی که مسلمانان را از مسایل اصلی اسلام منحرف کرده و مسلمانان را متوجه مسایل جزئی می‌نماید و در مسایل عمومی‌ای که کشورهای اسلامی به آنها احتیاج دارند بی‌طرف بوده و جز سازش و تسلیم پاسخ دیگری ندارد.^(۲)

مهمترین ویژگیهای اسلام آمریکایی:

۱- جدایی دین از سیاست

به طور کلی در تفکر اسلام ناب، سیاست مقوله‌ای جداگانه از دین به حساب نمی‌آید بلکه به قول شهید مدرس «دیانت ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دیانت ماست». امام خمینی (ره) به عنوان احیاگر اسلام ناب، همواره این اندیشه متعالی را رواج دادند که نبی مکرم اسلام ﷺ ضمن هدایت دینی مردم، رهبری سیاسی و دنیوی آنان را نیز بر عهده داشت. به نظر ایشان، سیاست به این معناست که جامعه راهبری و هدایت به آن سویی که صلاح جامعه و صلاح افراد است بشود. در روایات از جمله وظایفی که برای نبی اکرم ﷺ ذکر شده، سیاست است و به طور کلی انبیا شغلشان سیاست است. بنابراین دیانت همان سیاست است که مردم را از اینجا حرکت می‌دهد و به تمام چیزهایی که به صلاح ملت و مردم است هدایت می‌کند.^(۳)

از نظر امام (ره)، یکی از نقشه‌های دنیای استکباری شرق

و غرب رواج این امر بوده است که اسلام عبارت است از مسایل شخصی بین بنده و خدا و سیاست از اسلام جداست، بنابراین نباید مسلمانان در سیاست دخالت کنند^(۴). دنیای استکبار همواره کوشیده است که بر بعد معنوی و اخروی اسلام تاکید کند و چنین تبلیغ نماید که اسلام متعلق به یکسری امور عبادی و آخرتی است. امام راحل در این خصوص می‌فرماید: «گاهی مودیان و شیطنان آمیز به گونه‌ای طرفداری از قداست اسلام، که اسلام و دیگر ادیان الهی سروکار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامهای دنیایی و دعوت به ترک دنیا و اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه که انسان را به خدای تعالی نزدیک و از دنیا دور می‌کند و حکومت و سیاست و سر رشته‌داری، بر خلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است»^(۵). بر اساس چنین نگرش و اندیشه‌ای است که استاد شهید مطهری (ره) از جمله اقدامات اساسی رهبر فقید را مخالفت جدی و دامنه‌دار با مسأله جدایی دین از سیاست معرفی می‌کند.^(۶)

از نظر امام (ره)، اهدافی را که قدرتمندان از این ترفند دنبال می‌کنند عبارت است از: «از یکسو برکنار ساختن اسلام از تصرف امور دنیا و تنظیم جامعه مسلمانان و از سوی دیگر جلوگیری از مبارزه حق طلبانه مسلمانان علیه دولتهای خائن و سیاستهای ضد ملی و ضد اسلامی و از همه مهمتر کنارزدن علما و روحانیت از صحنه سیاست و حکومت»^(۷).

۲- حذف روحانیت

همان طور که ذکر شد یکی از اهدافی را که استکبار با طرح تفکیک دین از سیاست دنبال می‌کند، کنارزدن روحانیت

۱- اندیشه‌های دفاعی حضرت امام خمینی (ره)، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع، ۱۳۷۴، ص ۵۳.

۲- اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی (ره)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۲۵۳.

۳- رساله نوین، مسایل سیاسی و حقوقی، ترجمه کتاب «بیه» تحریرالموسسه امام خمینی، به کوشش عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، بی‌تا، ص ۷۰.

۴- صحیفه نور، ج ۱۶، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۰، ص ۲۳۲.

۵- روزنامه اطلاعات، ۶۱/۱۱/۲۷.

۶- نگاه کنید به کتاب «پیرامون انقلاب اسلامی، شهید مطهری، ص ۴۱».

۷- امام خمینی (ره)، ولایت فقیه، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۱۶.

از صحنه سیاست و حکومت می‌باشد. در این راستا امام (ره) یکی از مصادیق و ابعاد تهاجم فرهنگی را همین سیاست معرفی می‌کند و یکی از امور مهم برای سلطه غرب بر اسلام و مسلمانان را انزوای روحانیت از جامعه می‌داند؛ در کتاب شریف ولایت فقیه می‌نویسد: «این را که دیانت باید از سیاست جدا باشد و علمای اسلام در امور اجتماعی و سیاسی دخالت نکنند، استعمارگران گفته و شایع کرده‌اند. مگر زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سیاست از دیانت جدا بود؟ مگر در آن دوره عده‌ای روحانی بودند و عده دیگر سیاستمدار و زمامدار؟ این حرفها را استعمارگران درست کرده‌اند تا علمای اسلام را از مردم و مبارزان راه آزادی و استقلال جدا کنند»^(۱).

بنابر نظر حضرت امام (ره) مهمترین نتایج این حيله فرهنگی به قرار زیر است:

الف - با حذف روحانیت، استعمارگران می‌توانند بر مردم مسلط شوند و ضمن مخدوش نمودن استقلال کشورهای اسلامی، ثروتهای آنان را نیز به یغما ببرند.

ب - اسلام منهای روحانیت برای استکبار نه تنها خطر به حساب نمی‌آید بلکه آنها با اسلامی که جز نماز و دعا و ذکر چیز دیگری نباشد موافق هم هستند.

ج - سیاست انزوای روحانیت گامی در جهت تفرقه میان مردم و علما است.

د - با پی گیری سیاست اسلام منهای روحانیت، در عمل استعمارگران از تشکیل حکومت اسلامی ممانعت به عمل آوردند.

ه - استعمارگران قصد داشتند با غیر سیاسی نمودن نهاد روحانیت، آن را تبدیل به تشکیلاتی بی‌خاصیت و بی‌رنگ و بو نمایند.

۳ - دانشگاه در معرض تهاجم

از نظر امام (ه) علاوه بر روحانیت و حوزه‌های علمیه، دانشگاهها نیز جزو اهداف تهاجمی استعمارگران بوده است. در این خصوص می‌فرماید: «از اول می‌خواستند این طوری درست بکنند دانشگاه را و جوانان ما را به یک فرمی بار بیاورند که با اسلام و هر چیز که مربوط به آن است دشمن بشوند»^(۲).

آنچه که از نظرگاه امام (ه) اهمیت دارد این است که دانشگاه در هر کشوری رسالت و مسؤولیت بسیار خطیری به عهده دارد و در واقع سرنوشت یک ملت از دانشگاه تعیین می‌شود. دانشگاه خوب و اسلامی ملت را سعادتمند می‌سازد. حال با توجه به چنین نقشها و مسؤولیتهایی است که

دانشگاهها همواره یکی از هدفهای تهاجم فرهنگی بوده است و امام (ره) به عمق این فاجعه توجه داشته و یکی از مهمترین مظاهر آن را جدایی بین حوزه و دانشگاه می‌دانند.

در خصوص جدایی بین حوزه و دانشگاه ایشان در جمع مسؤولان فرهنگی در سال ۱۳۶۱ می‌فرماید: «یکی از خیانتهایی که به این کشور شد جدا کردن فیضیه از دانشگاه بود. اساتید از حوزه‌ها می‌ترسیدند و حوزویها از دانشگاهیان هراس داشتند»^(۳). اما اینکه چرا استعمار چنین سیاستی را دنبال می‌کرد، آنچه که در بیانات ایشان به چشم می‌خورد، هدف از این سیاست این بود که آنها راحت بتواند منافع خودشان را ببرند. زیرا در صورت هماهنگی و وحدت بین دو قشر روحانی و دانشگاهی، سعادت، عظمت ملت و استقلال کشور تامین و با سلطه خارجی مقابله می‌شد.

یکی دیگر از ابعاد تهاجم فرهنگی در دانشگاهها، تحریف در نقش مسؤولیت دانشگاه در جهت تعلیم و تربیت نیروهای متعهد و کارآمد بود. آنچه که در این خصوص در اندیشه رهبر فقید انقلاب دیده می‌شود این است که در نتیجه آن تهاجم، دانشگاهها طوری برنامه ریزی شدند که جوانان به آن رشد و تعالی واقعی نرسند تا برای جامعه مفید باشند. در کتاب جهاد اکبر می‌فرماید: «یادای استعمار نمی‌گذارند در دانشگاههای ما آدم تربیت شود از آدم می‌ترسند»^(۴) و یکی از راههای مهم برای وصول به این هدف، رواج اعتیاد، مفاسد اخلاقی و روابط نامشروع در دانشگاهها بود.

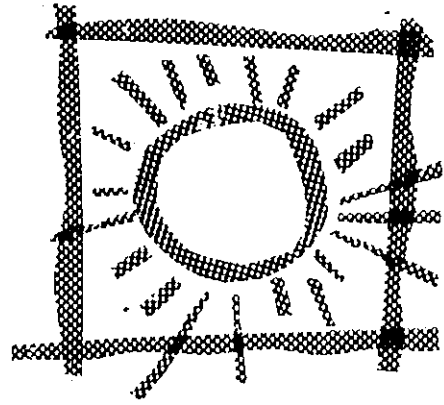
جهت دیگر این تهاجم مربوط به محتوا و ماهیت دانشگاهها می‌شود که این بخش به شدت مورد توجه امام (ره) بوده و همواره این خطر را گوشزد کرده است که محتوا و ماهیت دانشگاهها وارداتی است. از نظر ایشان، غرب برای موجه جلوه دادن عمل خود در خصوص دانشگاهها، همواره و سوسه کرده است که اسلام چیزی ندارد، اسلام پاره‌ای احکام حیض و نفاس است. بی جهت نیست که رهبر فقید انقلاب در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خویش به ملت متذکر می‌شود که

۱ - همان.

۲ - آیین انقلاب اسلامی، گزیده آراء و اندیشه‌های امام خمینی (ره)، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴، ص ۱۶۵.

۳ - در جستجوی راه از کلام امام، دانشگاه و انقلاب فرهنگی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، صص ۱۷۵-۱۷۴.

۴ - امام خمینی (ره)، جهاد اکبر، ص ۶۳، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۳، ص ۶۳.



فساد (اسرائیل) تنها برای سرکوبی ملت عرب نمی‌باشد بلکه خطر و ضرر آن متوجه دنیای اسلام است و فقط با پایداری و فداکاری و اتحاد می‌توان از شر این کابوس سیاه استعمار رهایی یافت»^(۴).

البته تهاجم فرهنگی غرب در قالب فکر و اندیشه، فقط به موارد یاد شده خلاصه نمی‌شود، اما به جهت رعایت اختصار به همین مقدار بسنده کرده و شرح کامل‌تر آن را به فرصت دیگری واگذار می‌کنیم.

تهاجم فرهنگی در زمینه ظواهر و رفتار فرهنگی

از آنجا که فرهنگ دارای دو بُعد است، یکی بعد معنوی یا ارتباطی که شامل افکار، عقاید، مذهب، ادبیات، سنتها، آداب و رسوم می‌شود که به طور مستقیم فاقد تظاهر مادی هستند و دیگری بعد مادی که شامل وسایل زندگی، مسکن، لباس، وسایل، ابزار، ادوات، کتاب، هنر و تکنولوژی می‌باشد و دارای مظاهر مادی هستند^(۵)، لذا همواره بعد دوم نیز مد نظر امپریالیسم فرهنگی بوده است.

امام (ره) به این قسم از شیخون فرهنگی غرب نیز توجه خاصی داشته و ضمن بیان اهمیت فرهنگ مادی، کم و کیف هجوم فرهنگی از سوی استعمارگران را نیز تبیین می‌نمایند. جلوه‌ها و مصادیق این تهاجم در اندیشه امام (ره) به صورت زیر قابل ذکر است:

۱- اشاعه فحشا و فساد و انحراف جوانان

یکی از حربه‌های کارآمد امپریالیسم فرهنگی برای نابود کردن مظاهر فرهنگ غنی اسلام، مهیاسازی زمینه‌های تباهی اخلاقی در جوامع اسلامی است. امام (ره) به طور صریح موضع اسلام در قبال این حرکت را اعلام می‌نماید و می‌فرماید: «در اسلام تمام آثار تجدد و تمدن مجاز است مگر آنهایی که فساد اخلاقی بیاورند، فساد عفت بیاورند»^(۶).

اگر دانشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن مادر حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمی‌رفت و پای مستشاران خارجی به ایران باز نمی‌شد^(۱).

۴- سکوت، تسامح و راحت‌طلبی

یکی دیگر از ابعاد تهاجم فرهنگی از سوی اسلام آمریکایی، رواج این اندیشه بود که دین اسلام دین سکوت و سازش در مقابل جریانها و مکتب راحت‌طلبی است. این در حالی است که به قول امام (ره) فرهنگ عاشورایی حسین بن علی علیه السلام به مسلمانان آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز سکوت نکنند و تن به سازش ندهند^(۲). از سوی دیگر آنچه که از محتوای فرهنگ دینی برمی‌آید این است که تلاش و کوشش و فعالیت لازمه مسلمانی است و در اصل، انسان در گرو فعالیتها و تلاش خویش است^(۳).

امام (ره) این خطر را نیز به تمامی مسلمین جهان یادآوری می‌کند که ایادی استعمار همواره کوشیده‌اند چه از نظر تبلیغاتی و چه از نظر عملی و آموزشی، مسلمانان و دولتهای اسلامی را از اهتمام به مسایل و مشکلات خودشان و مقابله با تجاوزات و سلطه‌گریها بازدارند و آنان را به سکوت و سازش در مقابل ظلم و تعدی وادار نمایند. و از سوی دیگر با کشاندن مسلمانان به راحت‌طلبی، موجبات عقب ماندگی و بدبختی و در نهایت وابستگی آنان به خود را فراهم آورند.

در راستای همین سنت نابجای سکوت است که مشاهده می‌شود اسرائیل به عنوان عامل دست استکبار به راحتی توانسته در قلب جهان اسلام اقدام به تشکیل حکومت نماید و بیت المقدس را اشغال نماید. به همین خاطر امام (ره) خطر سکوت و سازش در قبال اقدامهای نامشروع اسرائیل را متذکر شده و خطاب به دولتهای اسلامی می‌فرماید: «سران کشورهای اسلامی باید توجه داشته باشند که این جرثومه

۱- وصیت نامه سیاسی - الهی حضرت امام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

۱۳۶۸، ص ۱۳.

۲- پیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (ره)، تهران، موسسه نشر آثار امام، ۱۳۷۳، ص ۱۴.

۳- «وَ أَنْ تَبْتَئُوا لِلْإِنْسَانِ الْأَمَانَةَ» (النجم - ۱۹).

۴- فلسطین از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، موسسه نشر آثار امام، ۱۳۷۳، ص ۸.

۵- محسنی، منوچهر، جامعه شناسی عمومی، تهران، طهوری، ۱۳۷۰، ص ۱۹۶.

۶- امدهی مقدم، کبری، همان کتاب، ص ۱۰۸.

آنچه مسلم است دنیای استکباری غرب در پی نیل به اهدافی اقدام به تهاجم و اشاعه فساد و فحشا می‌نماید. امام (ره) در خصوص هدف آنان اعتقاد دارد که: «از آنجا که جوانان ثروت بزرگی برای یک کشور هستند و آینده هر کشوری مرهون جوانان آن است، استعمارگران کوشیده‌اند تا با اشاعه فحشاء و فساد در قالب اعتیاد، الکلیسم، روابط نامشروع، قمار، عیاشی و ... جوانان را سرگرم نمایند تا در نتیجه آنها بی‌تفاوت، غیربالنده و ناکارآمد بار بیایند»^(۱).

۲- رادیو و تلویزیون در خدمت فرهنگ غرب

بدون تردید در هر جامعه‌ای تشکیلات رادیو و تلویزیون به منزله زبان گویای جامعه به حساب می‌آید. به همین خاطر امپریالیسم فرهنگی همواره سعی کرده که در جوامع اسلامی و تحت استعمار، این تشکیلات را در جهت مطامع و اهداف خود قرار دهد و از آن به عنوان بلندگوی تبلیغاتی و اشاعه مظاهر فرهنگی خویش استفاده نماید.

البته باید توجه داشت که تاثیر تلویزیون بیشتر از رادیو می‌باشد، زیرا به دلیل استفاده توأمان از محرکهای سمعی و بصری و دنیای جذاب، نوین و فریبنده‌ای که از جعبه جادویی به بینندگان عرضه می‌کند از امتیازاتی برخوردار است که با استفاده از آنها می‌توان بیشترین تاثیر را بر مخاطبان بر جای گذارد.

امام خمینی (ره) در خصوص رادیو و تلویزیون و تاثیرات آنها به دورویکرد به عنوان جلوه‌های تهاجم فرهنگی توجه داده است: الف- رویکرد تعلیماتی ب- رویکرد تبلیغاتی.

درباره رویکرد اول امام (ره) می‌فرماید: «رادیو تلویزیون را که من مکرر از آن ذکر کرده‌ام و گفته‌ام این باید یک مرکز آموزشی (صحیح) باشد...»^(۲) و در مورد رویکرد دوم که بسیار هم مورد توجه ایشان بوده، بیان می‌دارد: «رادیو و تلویزیون یک دستگاهی است که هم در طرف تبلیغات فاسد اهمیت زیادی دارد و هم در طرف تبلیغات صحیح»^(۳). نکته قابل توجه در بیانات امام (ره) پیرامون دو رویکرد رادیو و تلویزیون آن است که ایشان ویژگیهای تعلیمی و تبلیغی آنها را شامل دو وجه می‌داند: یکی وجه مثبت و کارساز و موثر و دیگری وجه منفی و غیرکارساز و وجه اخیر می‌تواند مشمول همان زمینه‌هایی گردد که در نظرگاه ایشان، به عنوان حرب‌های مهم تهاجم فرهنگی در اختیار ایادی بیگانه و امپریالیسم فرهنگی بوده است.

با توجه به تأثیرات تعلیمی و تبلیغی مثبت رادیو و

تلویزیون و از آنجا که این دستگاهها می‌توانند وسیله‌ای برای سیتز با فرهنگ منحط غربی باشند، امام (ره) به این بخش قضیه نیز عنایت خاصی مبذول داشته و ضمن بیان خطرات آنها به توضیح جنبه‌های مختلف آنها پرداخته و در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود می‌نویسد: «رادیو و تلویزیون و ... ابزارهای موثر تباهی و تخدیر ملتها به ویژه نسل جوان بوده است. در این صد سال اخیر به ویژه نیمه دوم آن چه نقشه‌های بزرگی از این ابزار، چه در تبلیغ ضد اسلام و ضد روحانیت خدمتگزار و چه در تبلیغ استعمارگران غرب و شرق کشیده شد و از آنها برای درست کردن بازار کالاها بویژه تجملی و تزئینی از هر قماش، از تقلید در ساختمانها و تزئینها و تجملهای آنها و تقلید در اجناس نوشیدنی و پوشیدنی و در فرم آنها استفاده کردند. به طوری که افتخار بزرگ فرنگی مآب بودن در تمام شؤون زندگی از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن به ویژه در خانمهای مرفه و نیمه مرفه بود و در آداب معاشرت و کیفیت حرف زدن و به کار بردن لغات غربی در گفتار و نوشتار، فیلمهای تلویزیون از فرآورده‌های غرب یا شرق بود که طبقه جوان زن و مرد را از مسیر عادی زندگی و کار و صنعت و تولید و دانش منحرف و به سوی بی‌خبری از خویش و شخصیت خود و یا بدبینی و بدگمانی به همه چیز خود و کشور خود حتی فرهنگ و ادب و آثار پرارزش که بسیاری از آن با دست خیانتکار سوجدویان به کتابخانه‌ها و موزه‌های غرب و شرق منتقل گردیده است»^(۴).

دقت در بیانات امام (ره)، ما را به چگونگی استفاده امپریالیسم فرهنگی از رادیو و تلویزیون برای غالب کردن فرهنگ خود رهنمود می‌کند و در این میان می‌توان به نکات زیر دست یافت:

الف - استفاده غرب از رادیو و تلویزیون برای تبلیغات ضد دینی.

ب - رادیو و تلویزیون وسیله‌ای در اختیار دنیای استکبار به منظور تخدیر و تباهی و فساد اخلاقی ملتها.

ج - تغییر الگو مصرف و رواج فرهنگ مصرفی و تجمل‌گرایی و تقلید در میان ملتها به وسیله رادیو و تلویزیون.

۱- نگاه کنید، در جستجوی راه از کلام امام، دفتر ۲۲، ص ۴۲.

۲- روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۴/۸.

۳- اسدی مقدم، کبری، همان کتاب، ص ۲۷۲.

۴- وصیت نامه سیاسی - الهی، ص ۲۶.

د- گسترش خودباختگی فرهنگی و تحقیر فرهنگ خودی و آثار آن در میان اقشار جوان از طریق فیلمهای مخرب تلویزیونی و در نتیجه تغییر هویت و شخصیت و گفتار و شیوه زندگی و تولید دانش ملتها. و اینها همه از مظاهر و جلوه‌های بارز تهاجم فرهنگی غرب است.

۳- سایر وسایل ارتباط جمعی

علاوه بر رادیو و تلویزیون، سایر وسایل و امکانات ارتباط جمعی شامل سینما، تاتر، خبرگزاریها، مطبوعات و کتب نیز از اهمیت قابل توجهی برخوردارند. با عنایت به این که عصر حاضر را عصر ارتباطات و اطلاعات می‌خوانند به یقین تکنولوژی ارتباطات سهم بزرگی در نفوذ فرهنگ غرب در جوامع اسلامی و جهان سوم دارد. به دلیل اهمیت غیر قابل انکار این امکانات و ابزارها، امام(ره) پیوسته در بیانات و توصیه‌های خویش عوارض تخریبی آنها را متذکر شده و هشدارهای لازم را داده‌اند که به برخی از آن موارد اشاره می‌کنیم:

الف- مطبوعات با ترویج فرهنگ استعماری در به فساد کشاندن جوانان نقش بسیار مهمی ایفا نموده‌اند و از این رهگذر صدمات سنگینی بر پیکره اسلام و مسلمین وارد شده است.^(۱) امام خمینی(ره) در این خصوص می‌فرماید: «یکی از چیزهایی که نیازمند اصلاح است همین روزنامه‌ها، مجلات هفتگی ما است، که امروز به این صورت اسفبار در آمده است و در حقیقت بعضی از آنها را باید کانون بخشی از فساد و اخلاق و فحشا دانست»^(۲).

ب- در وصیت نامه سیاسی- الهی امام(ره)، سینما و تأثر مثل رادیو و تلویزیون ابزارهای موثر تباهی و تخدیر ملتها و وسیله اشاعه جلوه‌های فرهنگ وارداتی معرفی شده است. به خصوص سینما در این میان مهمتر است، زیرا از نظر ماهوی و عملی دارای چهره‌ای دوگانه است. به این معنی که سینما هم دارای رگه‌هایی از فعالیت‌های هنری و هم دارای جنبه‌ای از محصولات رسانه‌ای است و ویژگی‌های تکنیکی و ساختاری این ابزار سمعی و بصری، این امکان را برای امپریالیسم فرهنگی فراهم می‌آورد که در راستای اهداف خود از این وسیله، هم به عنوان یک فعالیت هنری و هم به عنوان یک فعالیت رسانه‌ای استفاده نماید.

بنابر آنچه که در این قسمت مطرح شد، متوجه می‌شویم که امام(ره) به ابعاد مختلف رویکرد فرهنگی غرب در ابعاد ظاهری و تمدن عنایت خاصی داشته و با در نظر گرفتن وسعت و عمق کار، آن را کم اهمیت‌تر از تهاجم اندیشه‌ها و افکار

نمی‌دانند و به همین خاطر همواره تلاش داشتند که افکار عمومی جامعه را نسبت به خطرات آن آگاه سازند.

نتیجه‌گیری و برخی راهبردها

از کاوش در اندیشه‌های بلند حضرت امام(ره) این اندیشمند و متفکر بی‌نظیر، چنین استنباط می‌شود که ایشان با ژرف‌نگری و دوراندیشی عالمانه، تهاجم فرهنگی را بلیه بزرگ دوران معاصر می‌دانند و از آن به عنوان «ام‌الامراض» یاد می‌کنند که با رواج روزافزون، تمامی اندام جوامع را فرا گرفته و از مراکز علمی و تجاری و صنعتی و عناصر رسانه‌ای، خیابان، محله، خانه و خانواده تا افکار صاحبان اندیشه و اعمال و رفتار دولتها و ملتها را دربر می‌گیرد.

بر همین مبنا معمار بزرگ انقلاب راه اصلاح جوامع را هم اصلاح فرهنگ آنها می‌دانند و معتقد است:

۱- باید کوشید تا مفاسد فرهنگی را بررسی کرد و آن را عقب زد و فرهنگ اسلامی ناب را جایگزین نمود.

۲- فرهنگ جوامع اسلامی باید به سوی یک فرهنگ مستقل و بدون وابستگی به غرب و شرق متحول شود.

۳- از آنجا که بزرگترین نمود شبیخون فرهنگی، رواج اسلام آمریکایی است، بر مسلمانان و علمای اسلام است که با شناساندن اسلام ناب محمدی ﷺ و معارف قرآنی و اهل بیت  تأثیر اسلام آمریکایی و التقاطی را خنثی سازند.

۴- با پرهیز از عوامل و زمینه‌های تفرقه‌زا و با وحدت و یکپارچگی امت اسلامی، جبهه متحدی در قبال موج تهاجم فرهنگی امپریالیسم تشکیل دهند.

۵- با بازگشت به خویشن اسلامی و شناخت و درک هویت فرهنگی خود، از خودباختگی در مقابل فرهنگ وارداتی دوری جویند.

۶- با احیای اصل امر به معروف و نهی از منکر، از منکرات و مفاسد حاصل از تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل آید.

در خاتمه باید گفت که از نظرگاه حضرت امام(ره) لازمه راهیابی به مقاصد فوق، بیداری، هوشیاری و آگاهی ملت است، زیرا در سایه شناخت و آگاهی می‌توان مبارزه علیه استکبار و رویکردهای آن را پیش برد.

۱- آیین انقلاب اسلامی، ص ۲۳.

۲- امام خمینی(ره)، کشف الاسرار، تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۳۸.